

چشم‌انداز ۲۰ ساله - نادیده می‌گیرند. این سیاست گذاران، دولتمردان و مدیران مقصزند.

مسئله مهم آن است که بیکاری فقط بُعد اقتصادی ندارد. این را ما در اقتصاد که از دیدگاه اسلام می‌نگریم، باور داریم. بیکاری بُعد اجتماعی دارد: خانواده را به هم می‌ریزد. بیکاری بُعد سیاست داخلی دارد: جوانان را "کلافه" می‌کند. از بُعد سیاست داخلی و خارجی، نقاط مرزی را بنگرید که جزو بیکارترین نقاط کشور هستند. بیکاری در نقاط مرزی، ناامنی ایجاد می‌کند. جوان بیکارمان همیشه به آن ور مرز می‌اندیشد.

به فکر چاره باشیم

قطعاً اولین قدمی که باید در کشور برای حل معضل

بیکاری اعم از مطلق و ناقص برداشته شود، رفع مشکلات رکودی حاکم بر اقتصاد ایران است. برای این منظور، دولت باید علاوه بر کنترل واردات و قاچاق کالا، انضباط

بیکاری در کشور: رسمی و ناقص (بهار ۸۹) درصد

نوع بیکاری	برآورد
بیکاری رسمی	۱۴/۶
بیکاری ناقص "زمانی" (شامل نیمه بیکاران)	۹/۵
بیکاری ناقص "مهارتی" (عمدتاً جوانان تحصیلکرده)	۷/۵
بیکاری ناقص "پنهان" (عمدتاً دولتی و شرکت‌های دولتی)	۳/۷
جمع بیکاری ناقص	۲۰/۷
کسر می‌شود: تعدیل برای دوباره شماری	۵/۲
بیکاری کل	۳۰/۱

یادداشت: سطر اول و دوم از مرکز آمار ایران و سایر ارقام برآورد «اقتصاد ایران» است.

بیشتری هم در عملکرد مالی خود داشته باشد و از بریز و بهاش‌های بی‌مورد جلوگیری کند تا از این طریق مشکلات تورمی بنگاه‌ها و نیروی کار تا حدودی رفع شوند. اصلاح نظام مالیاتی به همراه بازیابی در خصوص موارد و بندهایی از قانون کار که دست کارفرما را در استخدام آزاد نیروی کار بسته است، مجموعه عواملی هستند که می‌توانند به اصلاح فضای کسب و کار و در نتیجه رفع معضل بیکاری کمک کنند.

در مسیر رفع بیکاری هر چند با موانع زیادی روبه‌رو هستیم، اما "ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است." قطعاً با بکارگیری ابزار مناسب، می‌توان بیکاری دو

رقمی فعلی جامعه را ریشه کن کرد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "کارجویان سر کار" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

نظام بانکی و اشکالات ساختاری آن

زیر پوست بانکداری ایران

سخنرانی دکتر طهماسب مظاهری، رییس کل سابق بانک مرکزی و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»، در جلسه ماهانه انجمن اقتصاددانان



اولین و مهمترین نکته که در سیستم بانکی ما مطرح است، بحث قلت سرمایه بانک‌ها نسبت به حجم اقتصاد ایران است. نرخ ۸ درصدی رشد اقتصادی کشورمان که در برنامه‌های توسعه به آن اشاره شده، در عین حالی که حداقل نیاز ما است، توان و ظرفیت ما هم هست. اما مسایل و نکات مختلفی باعث شده که این کفایت رشد به ثمر نرسد.

در گزارشی که اخیراً رییس جمهور و اعضای هیأت دولت در حضور مقام معظم رهبری ارائه کردند مطرح شد که در عمل، رشد محقق شده در اقتصاد کشور از این رقم پایین‌تر است. یکی از علل این موضوع، کمبود منابع و حجم پایین سرمایه سیستم بانکی نسبت به اقتصاد کشور برای تحقق رشد ۸ درصدی است. طبق محاسباتی که در بانک مرکزی در زمان ریاست آقای شیبانی تهیه و در زمان بنده مجدداً تمدید شد، برآورد این بود کشور ما برای تأمین نیازهای خود با حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان کسری سرمایه بانکی مواجه است که این رقم نسبت به سرمایه آن زمان بانک‌ها برآورد شده بود. طبق محاسبات اولیه‌ای که صورت گرفت باید در حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان این کسری از طریق بانک‌های دولتی و ۱۵ هزار میلیارد تومان دیگر از طریق افزایش سرمایه یا ایجاد بانک‌های جدید خصوصی تأمین می‌شد و به همین دلیل فعالیت بانک‌های خصوصی مورد تشویق قرار گرفت. از کل ۱۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده، تنها ۳ هزار میلیارد تومان آن برای بانک توسعه صادرات و بانک صنعت و معدن تعیین شده، ولی بقیه آن هنوز صورت نگرفته است.

در حال حاضر، موضوع سرمایه اندک، یکی از نکات کلیدی است که باعث می‌شود سیستم بانکی ظرفیت پاسخگویی اقتصاد را نداشته باشد و یا وقتی می‌خواهد پاسخ دهد، ناچار شود نسبت‌های موجود را رعایت نکند. قریب به اتفاق بانک‌ها این وضعیت را تجربه می‌کنند. از بانک‌های خصوصی هم تعداد محدودی بنا به غیرت مدیران خودشان این نسبت را حفظ و رعایت کرده‌اند، ولی بقیه بانک‌های خصوصی و دولتی ناچار شده‌اند که نسبت کفایت سرمایه را رعایت نکرده و از این نسبت‌ها عدول

کنند. این موضوع با استانداردهای بانکداری در دنیا مغایر است.

از دنیا دو پله عقیم

اخیراً بانکداران در اروپا، قانونی را تصویب کرده‌اند که بانک‌ها باید استانداردهای بازل ۳ (Basel III Standards) را رعایت کنند؛ در حالی که ما هنوز در حد بازل یک که استاندارد کفایت سرمایه را در حد ۸ درصد مطرح می‌کند، قرار داریم. عدم رعایت این نسبت‌ها - که بسیاری از بانک‌های کشور توانایی رعایت آن را ندارند - هم ریسک بانک‌ها را افزایش داده و هم باعث اشکالاتی در رتبه بندی بانک‌ها می‌شود.

مسئله دوم، نقش سهام‌داران در سیستم بانکی است. سهام‌دار اعم از دولت یا بخش خصوصی، بانک را به عنوان پدیده‌ای می‌داند که منابع را به منظور تأمین نیازهای خود و اطرافیانش از سطح جامعه جمع می‌کند. اما این نکته را نباید نادیده گرفت که بانکداری و یا سهام‌داری در آن، به معنای ایجاد و خلق یک فعالیت اقتصادی است که منابع موجود را دریافت نماید و به متقاضیان پول و سرمایه بپردازد و خودش از این خدمتی که ارائه می‌کند منفعی کسب کند. متأسفانه این بحث در کشور ما به گونه‌ای جا افتاده که سهام‌داران برای دریافت منابع پولی مردم اقدام به تأسیس بانک می‌کنند تا بتوانند از این طریق نیازهای خود و اطرافیانشان و شرکت‌های وابسته به خود را تأمین کنند. البته این مشکل از سوی دولت پدیدار شده است که به عنوان سهام‌دار در بانک‌های دولتی، منابع موجود این بانک‌ها را برای تأمین نیازهای خود تخصیص داده است.

به عنوان راه حل، چون این مشکل از سوی دولت پدیدار گشته، خود دولت هم باید برای رفع مشکل پیش قدم شود. مهمترین اقدام دولت این است که منابع خزانه را متعلق به اقتصاد جامعه بداند. یکی از جدیدترین اقداماتی که دولت در این رابطه انجام

بانکداری اسلامی کجاست؟

اما یکی دیگر از بحث‌های مطرح آن است که احکام متناسب با پول اعتباری برای نظام بانکی ما تصویب نشده است. آنچه امروز مطرح است، در رابطه با احکامی است که برای حفظ ارزش پول اعتباری و بحث قرض‌الحسنه وجود داشته است. با وجود این که بعضی از علما در رابطه با موضوع قرض‌الحسنه احکامی را صادر کرده‌اند، اما این احکام صادره به صورت احکام پولی و مالی در سیستم بانکی کشور ما لحاظ نشده‌اند. حدود ۲۷ سال از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در کشور می‌گذرد. در حال حاضر نیاز است که در مراحل بعدی قانون هدفمندی یارانه‌ها، کمیوهای نظام بانکی بدون ربا برطرف شوند و شرایط برای اجرای احکام این قانون مساعد گردد. البته اشکالاتی هم به قانون وارد است. مثلاً در قانون بانکداری بدون ربا، از احکام بازار سرمایه استفاده شده است، در حالی که تضادهایی بین بازار سرمایه و بازار پول وجود دارد. در بازار سرمایه، اصل بر اعتماد و شناخت افراد از یکدیگر است، اما در بازار پول، اصل بر عدم اعتماد و عدم شناخت افراد نسبت به یکدیگر است. به علاوه، عقود اسلامی که در قانون بانکداری بدون ربا استفاده شده‌اند، با ماهیت بانکداری تطابق ندارند. در رابطه با اشکالات موجود در سیستم بانکی کشور، موارد دیگری هم وجود دارند که تعمیق و گسترش مباحث آنها نیازمند بحث و بررسی در نشست‌های بیشتر و استفاده از نظرات اقتصاددانان خبره است. مسأله‌ای همچون بحث توان نظارتی بانک مرکزی یکی دیگر از این مسایلی است که نظام بانکی ایران از این نظر با ضعف جدی مواجه است. مشکل دخالت سازمان‌های غیرمتخصص و در عین حال ذینفع در سیاست‌گذاری‌های پولی موضوع مهم دیگری است که نیازمند بررسی دقیق‌تر در آینده می‌باشد. ■

می‌دهد، سپرده‌گذاری بانک مرکزی در بانک‌های دولتی است. این اقدام با این توجیه صورت می‌گیرد که باید منابع بانک مرکزی در داخل کشور، برای طرح‌های زیربنایی استفاده شوند. ولی حداقل اثر این سپرده‌گذاری‌ها، عدم قبول منابع و مصارف برای نظام بانکی است.

هیاهوی مدیریت و سودهای بانکی

بحث دیگری که وجود دارد عدم اجماع در خصوص لزوم وجود مدیریت متخصص در سیستم بانکی است که یکی از جلوه‌های این پدیده، مسأله تأیید صلاحیت مدیران بانک‌ها است. در واقع، هم وزارت اقتصاد و هم بانک مرکزی در این مورد عملکرد دقیقی نداشته‌اند. وزارت اقتصاد از عدم تأیید صلاحیت مدیران بانک‌ها توسط بانک مرکزی صحبت می‌کند و بانک مرکزی لیست اسامی مدیران بانکی که صلاحیت تخصصی را ندارند منتشر می‌کند. این مسأله آثار منفی در جامعه دارد و در واقع، اصل و ریشه موضوع که همان صلاحیت تخصصی مدیران بانک‌ها است، همچنان بین دولت و دستگاه‌های مربوطه (بانک مرکزی) پذیرفته شده نیست.

بحث دیگر، عدم وجود یک سیاست جامع در تعیین سود بانکی است. زمانی سود بانکی از مجموع نرخ تورم و یک تا دو درصد سود برای جبران هزینه‌های بانک‌ها در نظر گرفته می‌شد. اما در حال حاضر، بر اساس محاسبات بانک مرکزی، اگر چه نرخ سود بانکی ۸ درصد اعلام می‌شود، اما بسیاری از بانک‌ها نرخ‌های سود ۱۸، ۲۰، ۲۶ و ۳۰ درصد را برای تسهیلات خود در نظر گرفته‌اند. به عبارتی، یک سیاست واحد در خصوص اجرا و اعمال نرخ سود در نظام بانکی کشور وجود ندارد.

بحران اقتصادی و هزینه‌های دفاعی فرانسه و بریتانیا

اقتصاد و اسلحه

نگاه Christian Science Monitor و مؤسسه Rand به تغییرات محتمل در دو سوی آتلانتیک

بحران اقتصادی جهان بسیاری از متحدان اروپایی آمریکا را مجبور کرده که هزینه‌های دفاعی و تجهیزات نظامی خود را به شدت کاهش دهند. این مسأله می‌تواند



بر همکاری‌های دفاعی آمریکا و اروپا - به ویژه با بریتانیا و فرانسه - اثرات قابل توجهی داشته باشد، چرا که این دو متحد آمریکا، در نمایش قدرت غرب بیشترین ظرفیت را از خود نشان داده‌اند. هر دو کشور، اکنون برای مدرن سازی تجهیزات دفاع هسته‌ای و حتی غیرهسته‌ای خود با دو راهی‌های زیادی روبه‌رو هستند.

شرایط برای بریتانیا، به طور خاص بحرانی‌تر است. مقامات دفاعی این کشور در بخشی از تلاش دولت برای کاهش بدهی‌های خود، اعلام کرده‌اند قرار است بودجه دفاعی در مدت ۵ سال آینده به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یابد. البته آمارها مبین آن هستند که هزینه‌های نظامی بریتانیا در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ با ۲۸ درصد رشد (رقمی در حدود ۱۵ میلیارد دلار) مواجه بوده است. این نرخ در رابطه با فرانسه با رقمی در حدود ۵ میلیارد دلار، افزایشی

علیرغم آن که کشورهای غربی مدت‌هاست ایران را به اتهام اثبات نشده دستیابی به سلاح هسته‌ای و حمایت از تروریسم تحت فشار و تحریم قرار داده‌اند، اما خودشان برای تولید و گسترش تجهیزات نظامی پیشرفته و سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر رقابت می‌کنند. این مسأله در حالی اتفاق می‌افتد که بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT)، تمام کشورهای عضو این پیمان از استفاده غیرصلح آمیز از انرژی هسته‌ای منع شده‌اند. با این حال، نه تنها شاهد کاهش تجهیزات مخرب و کلاهک‌های اتمی در جهان نیستیم، بلکه شواهد از گسترش روز افزون این سلاح‌ها حکایت می‌کنند.

هزینه‌های نظامی و دفاعی جهان در سال ۲۰۰۹ رقمی در حدود ۱/۵۳ تریلیون دلار تخمین زده می‌شوند. این رقم، رشدی ۴۹ درصدی را نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی نشان می‌دهد. رقم مذکور که در حدود ۲/۷ درصد کل محصول ناخالص داخلی (GDP) جهان است، در حدود ۲۲۵ دلار هزینه سرانه را حکایت می‌کند. در این بین، ایالات متحد آمریکا با در اختیار داشتن رقمی در حدود ۴۶/۵ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان، سردمدار کشورهای دنیا است. چین با ۶/۶ درصد، فرانسه با ۴/۲ درصد، بریتانیا با ۳/۸ درصد و روسیه با ۳/۵ درصد در جایگاه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. در این بین، نکته حایز اهمیت آن است که